

شکاف طبقاتی و وضعیت فقر و نابرابری

میلاد میر^۱

چکیده

شکاف طبقاتی و نابرابری درآمد، همواره منشأ بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی بوده است. گسترش فاصله طبقاتی از یک سو، به افزایش فقر در جامعه منجر می‌شود و از سوی دیگر می‌تواند به واسطه تبعات سیاسی - اجتماعی که به دنبال دارد، به فروپاشی نظام سیاسی منجر شود. در این گزارش وضعیت شکاف طبقاتی، مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهایی جهت مقابله با فقر و نابرابری ارائه می‌شود. بررسی وضعیت شاخص‌های ضریب جینی و نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین، به عنوان دو نمونه از مرسوم‌ترین شاخص‌ها برای ارزیابی وضعیت شکاف طبقاتی و نابرابری درآمد، بیانگر آن است که در سال‌های اخیر فاصله طبقاتی افزایش یافته است. تورم، رکورد و بیکاری، رشد جمعیت و کاهش درآمد حقیقی حقوق‌بگیران از مهم‌ترین دلایل گسترش شکاف طبقاتی به‌شمار می‌آیند. افزایش فقر و نابرابری در جامعه می‌تواند تبعاتی مانند افزایش مشاغل کاذب، جرم و بزهکاری، تأثیر منفی بر سطح سلامت عمومی و کاهش انگیزه تحصیل در مقاطع بالاتر بین افراد کم‌درآمد را به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر، گسترش فقر و نابرابری درآمد باعث ایجاد نارضایتی بین اقشار ضعیف جامعه می‌شود و می‌تواند به کاهش حمایت مردم از حکومت منجر شود و از آنجا که بقای نظام سیاسی در هر کشوری به رضایت عموم مردم از حکومت وابسته است، گسترش فقر و نابرابری درآمد خطری جدی برای بقای نظام سیاسی کشور به‌شمار می‌آید. از این رو به منظور جلوگیری از روند روبه‌رشد شکاف طبقاتی و گسترش فقر، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند: ۱- هدفمند کردن پرداخت یارانه نقدی و حمایت معیشتی از دهک‌های پایین درآمدی، ۲- ایجاد فرصت‌های شغلی، ۳- مهارت‌آموزی و توانمندسازی اقشار ضعیف.

واژگان کلیدی: فقر، شکاف طبقاتی، نابرابری درآمد، نابسامانی‌های اجتماعی.

مقدمه

می‌شود که بدانیم، توزیع ناعادلانه درآمد به واسطه آثار اقتصادی، تبعات اجتماعی نیز به همراه خواهد داشت. در واقع نابرابری گسترده در توزیع درآمد به شکاف طبقاتی و فقر، که از دلایل گنجدکننده رشد اقتصادی و افزایش نارضایتی به‌شمار می‌آیند، منجر می‌شود و به واسطه آثار اقتصادی، بستر مناسبی برای پیدایش بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است. توزیع ناعادلانه درآمد به سود گروهی خاص از افراد جامعه بوده و

مقابله با فقر و افزایش رفاه اجتماعی یکی از مهم‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله میزان درآمد و چگونگی توزیع آن می‌باشد. هدف‌گذاری جهت بهبود توزیع درآمد و تأکید بر آن در برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی بیانگر اهمیت موضوع مقابله با شکاف طبقاتی و فقر است. اهمیت توزیع عادلانه درآمد وقتی دوچندان

بررسی می‌شود، در بخش سوم به ملاحظات امنیت اقتصادی و در بخش چهارم جمع‌بندی و پیشنهادهای ارائه می‌شود.

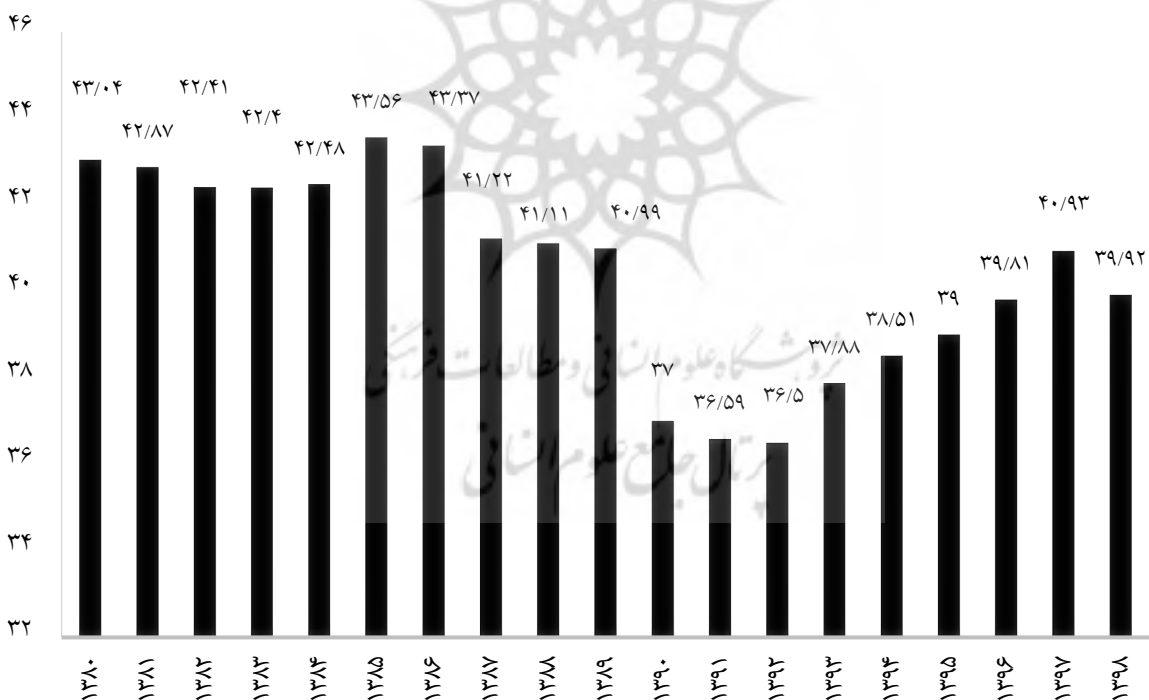
۱. بررسی وضعیت شکاف طبقاتی

بررسی وضعیت توزیع درآمد و نابرابری‌های موجود در آن، یکی از مرسوم‌ترین روش‌های ارزیابی شکاف طبقاتی است؛ که برای این منظور از شاخص‌های ضریب جینی و نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین استفاده می‌شود.

فراهم شدن رفاه و امکانات بیشتر برای آنها، موجب می‌شود سایر اقشار نیز در صدد افزایش سطح درآمد و رفاه خود باشند و گاه تلاش برای رسیدن به این اهداف می‌تواند با بروز ناهنجاری‌هایی مانند سرقت، فساد، فحشا و ... همراه شود.

هدف اصلی این گزارش بررسی وضعیت شکاف طبقاتی و چگونگی مقابله با فقر و نابرابری است؛ برای این منظور، در بخش اول گزارش به بررسی وضعیت شکاف طبقاتی پرداخته می‌شود، در بخش دوم دلایل گسترش شکاف طبقاتی و فقر در کشور

نمودار ۱: ضریب جینی (درصد)



منبع: مرکز آمار ایران.

نزدیک‌تر بودن ضریب جینی به صفر، به مفهوم شکاف و نابرابری کمتر در جامعه است و هرچه به

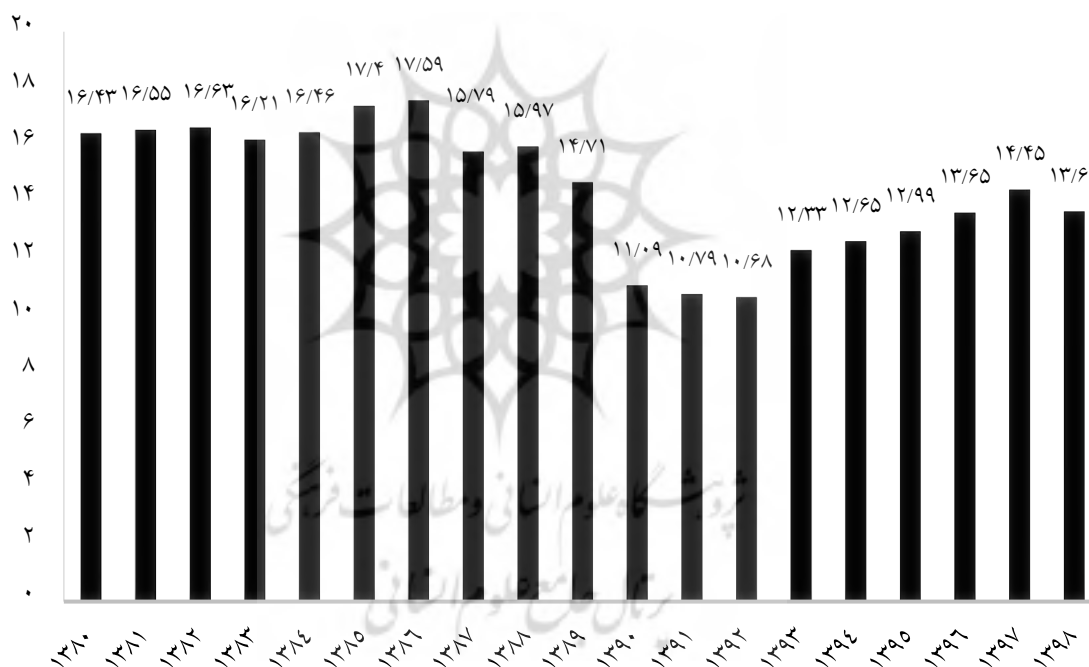
یکی از شاخص‌های مهم توزیع درآمد ضریب جینی است، این ضریب ارزشی بین یک و صفر دارد.



همچنین نمودار (۲) سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین، بیانگر وضعیت نامناسب توزیع درآمد و شکاف طبقاتی است، نسبت مذکور در سال ۱۳۹۲ به کمترین میزان خود رسیده اما پس از آن روند صعودی داشته است. طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸ به‌طور متوسط سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین از کل درآمد کشور حدود ۱۴/۳۵ برابر سهم ۱۰ درصد فقیرترین بوده است.

یک نزدیک باشد، شکاف و نابرابری بیشتر در جامعه را نشان می‌دهد. نمودار شماره (۱) ضریب جینی برای ایران را طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸ نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، طی سال‌های گذشته ضریب جینی روند پرنوسانی داشته و میزان این شاخص در سال ۱۳۹۲ به کمترین میزان خود طی دوره مورد بررسی رسیده است اما پس از آن روند افزایشی در پیش گرفته است.

نمودار ۲: سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین



منبع: مرکز آمار ایران.

۲-۱. تورم

درخصوص رابطه بین تورم و شکاف طبقاتی، استدلال می‌شود که داشتن یک تورم ملایم می‌تواند بهبود نسبی در وضعیت دهک‌های درآمدی پایین و در نتیجه کاهش شکاف طبقاتی را داشته باشد. در واقع این استدلال با این فرض است که قشر کم‌درآمد

۲. دلایل افزایش شکاف طبقاتی و گسترش

فقر در ایران

مقابله با شکاف طبقاتی و پیشگیری از گسترش فقر مستلزم شناخت عوامل تأثیرگذار بر افزایش فاصله طبقاتی و فقر می‌باشد که در ادامه به برخی از موارد آن‌ها اشاره می‌شود.

استدلال برخی دیگر از اقتصاددانان آن است که بروز تورم باعث افزایش شکاف طبقاتی بین اقشار ثروتمند و ضعیف جامعه می‌شود. ساده‌ترین مثال برای توضیح این استدلال این است که: فرد ثروتمندی را در نظر بگیرید که ارزش دارایی‌های وی ۱۰۰ میلیارد تومان باشد، با بروز یک شوک تورمی ۳۰ درصدی، ارزش دارایی‌های وی ۳۰ میلیارد تومان بیشتر می‌شود، حال فرض کنیم که هزینه‌های سالانه زندگی همین فرد ۲۰۰ میلیون تومان باشد که در اثر تورم ۳۰ درصدی تنها ۶۰ میلیون تومان به هزینه‌های وی افزوده می‌شود. در مقابل سرپرست یک خانوار از قشر ضعیف را در نظر بگیرید که سالانه ۵۰ میلیون تومان درآمد دارد که صرف مخارج جاری زندگی وی می‌شود؛ با بروز یک تورم ۳۰ درصدی، قدرت خرید وی ۱۵ میلیون تومان کاهش می‌یابد. از سوی دیگر این شخص دارایی با ارزشی ندارد که بخواهد در اثر تورم ارزش آن افزایش یابد. لذا تورم باعث ثروتمندتر شدن اغنیا و فقیرتر شدن فقرا می‌شود و از این طریق به شکاف طبقاتی دامن می‌زند.

۲-۲. رکود و افزایش بیکاری

رکود اقتصادی تأثیر منفی بر بخش‌های مختلف اقتصاد دارد و کاهش فرصت‌های شغلی و افزایش بیکاری را به همراه دارد. از آنجا که قشر ضعیف از تخصص ویژه‌ای برخوردار نیستند، عموماً بیشترین اثر بیکاری متوجه قشر کم‌درآمد می‌شود. از این رو، رکود اقتصادی باعث ایجاد بیکاری گسترده در بین

جامعه دارای بدهی هستند و با بروز تورم ارزش حقیقی بدهی‌های آن‌ها کم می‌شود که این نوعی کمک به افراد کم‌درآمد محسوب می‌شود. در این خصوص باید توجه کرد که این استدلال در صورتی درست است که قشر کم‌درآمد به منابع مالی و تسهیلات اعطایی سیستم بانکی دسترسی داشته باشند. همچنین طرفداران این استدلال بر این باورند که با وجود رابطه معکوس بین بیکاری و تورم، با افزایش تورم بیکاری کاهش می‌یابد که در نتیجه به افزایش درآمد، بهبود وضعیت معیشتی مردم و کاهش شکاف طبقاتی منجر می‌شود.

تجربیات سال‌های گذشته بیانگر آن است که استدلال فوق درخصوص اقتصاد ایران صدق نمی‌کند زیرا اصلی‌ترین فرض استدلال مذکور یعنی داشتن تورم ملایم، نقض شده است؛ در سال‌های گذشته اقتصاد ایران تورم‌های بالای ۱۵ درصد داشته است که به‌طور مسلم تورم ملایم محسوب نمی‌شود.

نابرابری گسترده در توزیع درآمد به شکاف طبقاتی و فقر، که از دلایل کُندکننده رشد اقتصادی و افزایش نارضایتی به‌شمار می‌آیند، منجر می‌شود و به‌واسطه آثار اقتصادی، بستر مناسبی برای پیدایش بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است.



می‌آورد که از اطلاعات نشت یافته مطلع‌اند. مثالی دیگر در زمینه رانت‌خواری، دسترسی عده‌ای به امکانات بانکی مانند وام‌های اعطاشده به کارخانجات و شرکت‌های تولید توسط دولت است. این منابع مالی به‌جای آن‌که صرف افزایش حجم و کیفیت تولیدات و سرمایه‌گذاری در کارخانه‌های خصوصی شوند، به سمت بازارهای دارایی با هدف سفته‌بازی و واسطه‌گری سوق می‌یابند و پولی که از این نوع فعالیت‌ها حاصل می‌شود، مقداری برای جبران ضرر و زیان کارخانه‌های تولید صرف شده و مابقی به‌جای آن‌که به تولید و سرمایه‌گذاری اختصاص یابد، به مصارف دیگر می‌رسد. از این‌رو، تولید داخلی نه‌تنها افزایش نمی‌یابد بلکه فعالان بخش‌های مولد اقتصاد نیز از ادامه فعالیت خود دلسرد می‌شوند و چرخه تولید ملی بیش از پیش دچار آسیب می‌شود. به این ترتیب، صاحبان رانت با در اختیار داشتن امتیازات ویژه، باعث توزیع ناعادلانه درآمد و افزایش شکاف طبقاتی در جامعه شده و به گسترش بیکاری و فقر دامن می‌زنند.

رکود اقتصادی تأثیر منفی بر بخش‌های مختلف اقتصاد دارد و کاهش فرصت‌های شغلی و افزایش بیکاری را به‌همراه دارد. از آنجا که قشر ضعیف از تخصص ویژه‌ای برخوردار نیستند، عموماً بیشترین اثر بیکاری متوجه قشر کم‌درآمد می‌شود.

افراد کم‌درآمد، افزایش فقر مطلق و گسترش تضاد طبقاتی در جامعه می‌شود.

۲-۳. رشد جمعیت

مطالعات تجربی زیادی تأثیرگذاری رشد جمعیت بر ضریب جینی (شاخص نابرابری درآمدی) را تأیید می‌کنند. هنگام رشد جمعیت، بعد خانوار در بین خانوارهای کم‌درآمدتر افزایش بیشتری نسبت به خانوارهای ثروتمند دارد، لذا در کوتاه‌مدت به دلیل افزایش جمعیت وضعیت معیشت فقرا بدتر می‌شود. از سوی دیگر، در بلندمدت نیز رشد جمعیت افزایش عرضه نیروی کار و در نتیجه بیکاری را به دنبال دارد، که در این شرایط نیز، همان‌طور که در بالا اشاره شد، بیشترین تأثیر منفی بیکاری متوجه قشر فقیر جامعه خواهد شد. بنابراین، رشد جمعیت نیز می‌تواند تأثیر منفی بر سهم درآمدی دهک‌های پایین داشته و منجر به گسترش نابرابری و تضاد طبقاتی شود.

۲-۴. رانت‌خواری و فساد

صاحبان رانت از لحاظ اقتصادی به‌وسیله سازوکارهایی مانند نشت اطلاعات (رانت اطلاعاتی)، دسترسی ناعادلانه به امکانات بانکی، برخورداری از قدرت لازم برای نادیده گرفتن برخی از قوانین (فساد اداری) و... از فرصت‌های نابرابری برخوردار شده و بالطبع می‌توانند در عرصه رقابت اقتصادی موفق‌تر ظاهر شوند. برای مثال، رانت اطلاعاتی که در نتیجه نشت اطلاعات به‌وجود می‌آید، سبب تصمیم‌گیری‌های اقتصادی شده و ثروت‌های ناعادلانه‌ای را برای افرادی به ارمغان



۳. ملاحظات امنیت اقتصادی

گسترش فقر باعث ایجاد نارضایتی در اقشار ضعیف جامعه می‌شود و می‌تواند به کاهش حمایت مردم از حکومت منجر شود و از آنجا که بقای حکومت و نظام سیاسی در هر کشوری وابسته به رضایت عموم مردم از حکومت است؛ تعمیق فقر و نابرابری درآمد، خطری جدی برای بقای نظام سیاسی کشور به‌شمار می‌آید.

بررسی وضعیت ضریب جینی و نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین در سال‌های اخیر بیانگر آن است که وضعیت شکاف طبقاتی در حال بدتر شدن است و تداوم روند موجود تبعات گسترده‌ای برای کشور به‌همراه دارد. به‌طور کلی تبعات فاصله طبقاتی و فقر را می‌توان از دو بُعد اقتصادی - اجتماعی و امنیت ملی مورد بررسی قرار داد.

۳-۱. تبعات اقتصادی - اجتماعی

- افزایش مشاغل کاذب، جرم و بزهکاری

- تأثیر منفی بر سطح سلامت عمومی
گسترش فقر به‌دلیل ایجاد محدودیت در تأمین مواد غذایی مورد نیاز بدن، باعث کاهش امنیت غذایی می‌شود. کاهش امنیت غذایی و سوءتغذیه ناشی از عدم دسترسی مناسب به مواد غذایی موجب افزایش ابتلا به انواع بیماری‌ها در بین افراد می‌شود؛ که این اتفاق علاوه بر تأثیر منفی بر سلامت افراد، موجب افزایش هزینه‌های دولت به‌دلیل افزایش هزینه‌های بهداشت و درمان می‌شود.

گسترش فقر در جامعه باعث می‌شود افراد قشر کم‌درآمد برای تأمین مایحتاج زندگی خود به مشاغل کاذب و گاه خلاف قانون روی آورند. مطالعات میدانی نشان می‌دهد که بسیاری از افرادی که در مکان‌های عمومی مانند معابر و مترو مشغول دستفروشی هستند، نان‌آور خانه بوده و برای تأمین مایحتاج زندگی خود به این مشاغل روی آورده‌اند. مشاغل کاذب به‌دلیل ماهیتی که دارند زمینه

- کاهش انگیزه تحصیل در مقاطع بالاتر بین افراد کم‌درآمد

خانوارهای کم‌درآمد معمولاً پرجمعیت بوده که این موضوع باعث سخت‌تر شدن تأمین هزینه‌های زندگی آن‌ها می‌شود و عموماً افراد خانوارهای پرجمعیت و کم‌درآمد انگیزه کمتری برای تحصیل به‌ویژه در مقاطع بالاتر دارند و افراد از یک سنی به بعد ترجیح می‌دهند وارد بازار کار شوند و به‌جای ادامه تحصیل کمک‌خرج خانواده باشند.

ارتکاب جرم، اعتیاد و بزهکاری را افزایش می‌دهند؛ ماهیت بسیاری از مشاغل کاذب به‌گونه‌ای است که فرد با صرف ساعت‌های زیادی برای کار کردن تنها قادر خواهد بود بخشی از هزینه‌های زندگی خود را تأمین کند و این اتفاق موجب می‌شود بعد از مدتی فرد دچار افسردگی شده و گاه برای رهایی از فقر به کارهای خلاف قانون روی آورند، این شرایط به‌ویژه برای جوانان و زنان به‌دلیل آسیب‌پذیری آن‌ها بیشتر است.



افزایش نابرابری و فقر به واسطه آثار اقتصادی، می‌تواند تبعات اجتماعی و امنیتی نیز داشته باشد. افزایش مشاغل کاذب، جرم و بزهکاری، تأثیر منفی بر سطح سلامت عمومی، کاهش انگیزه تحصیل در بین خانوارهای کم‌درآمد و کاهش اعتماد به حکومت و از دست رفتن حمایت مردم، برخی از تبعات گسترش شکاف طبقاتی و فقر در جامعه است.

به‌منظور پیشگیری از روند روبه‌رشد شکاف طبقاتی و گسترش فقر، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:

- هدفمند کردن پرداخت یارانه نقدی و حمایت معیشتی از دهک‌های پایین درآمدی: یکی از راهکارهای حمایت از اقشار ضعیف و بهبود وضعیت معیشت فقرا، کمک‌های معیشتی و هدفمند کردن پرداخت یارانه است. لازم به ذکر است که، از سال ۱۳۸۹ مبلغ ۴۵۵۰۰ تومان به‌عنوان یارانه به مردم پرداخت می‌شود اما به‌رغم افزایش تورم و هزینه‌های زندگی، مبلغ یارانه نقدی تاکنون تغییری نکرده است. در حال حاضر بیش از ۷۶ میلیون نفر یارانه نقدی دریافت می‌کنند در حالی که تمام این افراد مستحق دریافت یارانه نمی‌باشند؛ پیشنهاد می‌شود به‌منظور جبران اندکی از شکاف به‌وجود آمده بین ثروتمندان و فقیران، دولت یارانه دهک‌های بالای درآمدی را حذف کند و در عوض حمایت‌های معیشتی بیشتری از اقشار ضعیف را دنبال کند.

۲-۳. تبعات امنیت ملی

گسترش فقر و نابرابری درآمد، مغایر با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی است و پیامدهای اقتصادی - اجتماعی آن موجب کاهش اعتماد و وفاداری مردم به حکومت می‌شود. گسترش فقر باعث ایجاد نارضایتی در اقشار ضعیف جامعه می‌شود و می‌تواند به کاهش حمایت مردم از حکومت منجر شود و از آنجا که بقای حکومت و نظام سیاسی در هر کشوری وابسته به رضایت عموم مردم از حکومت است؛ تعمیق فقر و نابرابری درآمد، خطری جدی برای بقای نظام سیاسی کشور به‌شمار می‌آید.

جمع‌بندی و پیشنهادها

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مقابله با گسترش شکاف طبقاتی و فقر یکی از مهم‌ترین اهداف دولت‌ها بوده است. هدف‌گذاری جهت بهبود توزیع درآمد و تأکید بر آن در برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی نیز بیانگر اهمیت این موضوع است. با این حال، بررسی وضعیت شاخص‌های ضریب جینی و نسبت ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین در سال‌های اخیر بیانگر بدتر شدن وضعیت شکاف طبقاتی و نابرابری درآمد در کشور است. از دلایل عمده گسترش فاصله طبقاتی و فقر در سال‌های اخیر می‌توان به تورم، رکود و بیکاری، رانت‌خواری و فساد و رشد جمعیت اشاره کرد.

منابع

- مرکز آمار ایران.
- بررسی عوامل موثر بر نابرابری مالی، صادقی، علی، هاتفی، مجید، ظاهری، عزیز، فصلنامه پژوهشهای پولی و بانکی، زمستان ۱۳۹۸.
- بررسی عوامل موثر بر فقر، مرکز پژوهشهای مجلس.

- ایجاد فرصت‌های شغلی: بیکاری و نداشتن درآمد ثابت یکی از اصلی‌ترین دلایل فقر در کشور است. از این رو، حمایت از تولید داخلی و ایجاد فرصت‌های شغلی می‌تواند در کاهش بیکاری و فقر مؤثر باشد. ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار برای اقشار کم‌درآمد بیش از کمک‌های مالی و معیشتی بر افزایش سطح رفاه آن‌ها تأثیرگذار است. در این خصوص حمایت مالی از کسب‌وکارها و صنایع کوچک - به‌عنوان بخش‌هایی که افراد کم‌درآمد و فاقد مهارت بیشتر در آن‌ها فعالیت دارند - می‌تواند ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتری برای گروه‌های کم‌درآمد جامعه را به همراه داشته باشد.

- مهارت‌آموزی و توانمندسازی اقشار ضعیف: قشر کم‌درآمد جامعه عموماً فاقد مهارت و توانایی کافی برای اتخاذ شغل‌های با درآمد بالا هستند به‌گونه‌ای که درآمد بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد تنها بخشی از هزینه‌های زندگی آن‌ها را پوشش می‌دهد و در این بین افراد ناچار به کاهش هزینه‌های تحصیل فرزندان خود نیز می‌باشند که نتیجه آن محروم ماندن از آموزش باکیفیت و تداوم دور باطل فقر در خانوارهای کم‌درآمد است. لذا توجه بیشتر دولت به مناطق محروم و اعطای کمک‌هزینه‌های تحصیلی به دهک‌های درآمدی پایین به‌منظور فراهم کردن شرایط دسترسی آسان‌تر به آموزش با کیفیت‌تر، می‌تواند در بلندمدت به بهبود وضعیت فقر و شکاف طبقاتی کمک کند.

